

آیا انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در تاریخ تعیین شده برگزار خواهد شد؟



محمد اشرف غنی، عبداللہ عبدالله، شیدا محمد ابدالی، محمد حنیف اتمر، عنایت اللہ حفیظ، محمد شهاب حکیمی، گلبدین حکمتیار، عبداللطیف پدram، زلمی رسول

سید نورالله جلیلی، نورالرحمان لیوال، احمد ولی مسعود، رحمت الله لیبیل، نورالحق علومی، حکیم تورسن، فرامرز توما، ابراهیم الخوری

آیا انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برگزار خواهد شد؟ این سوال این روزها، ذهن خیلی‌ها را به خود جلب نموده است؛ از سیاستمداری که در متن چانه‌نی‌های سیاسی و دیپلماتیک قرار دارد تا فعال حقوق بشر، نخبگان علمی، واحدهای تحقیقاتی و ژورنال‌های معتبر پژوهشی، کسبه کاران و افراد عادی جامعه، همه و همه از خود و دیگران می‌پرسند، که آیا انتخابات ریاست جمهوری کشور برگزار خواهد شد؟

صفحه ۱

هیاهوی انتخاباتی؛ افتتاح پروژه‌های محدود با طمطراق بسیار

چندماه می‌شود، که اتهام سوءاستفاده از منابع دولتی و پروژه‌های انکشافی بر رهبری حکومت وحدت ملی در ایام انتخابات ریاست جمهوری وارد است. تکت‌های انتخاباتی و قشر سیاسی کشور مدعی هستند، که محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور و دسته‌ی انتخاباتی‌اش از امکانات دولتی، پروژه‌های انکشافی و دارایی عامه استفاده‌ی کمپانی انتخاباتی می‌کنند. این ادعاها تا حدی درشت و جدی شده...

صفحه ۲

به مناسبت فاجعه‌ی دوم اسد؛ در چوک ده‌مزنک بالای مردم چه گذشت؟

«امروز» فردای فاجعه‌ی دوم اسد/اسد سوم اسد آمدن به سر کار به طرز وحشت‌ناکی ژرمال بود. چوک ده‌مزنک طبق معمول با ترافیک موترها، بایسکل‌ها، کراچی‌ها، و آدم‌های که پیاده شهر را دور می‌زنند، گره خورده بود. تنها شیشه‌های شکسته شده‌ی مغازه‌ها، رستوران‌ها و دکان‌ها، جوی‌های کنار جاده، چقوری‌های پر آب خون‌آلود سرک و فضای که هنوز بوی گوشت‌های سوخته می‌داد، عمق فاجعه را حکایت می‌کردند. من سعی کردم به جدول‌های جاده خیلی با دقت نگاه نکنم. روی آن‌ها لکه‌هایی بود، که می‌توانست خون باشد، شاید هم بدتر از آن. اما آن‌چه دردناک و تأسف بار است این که؛ کابل...

صفحه ۳

مردم در دوراهی صلح و انتخابات؛ کدام یکی مقدم‌تر است؟

در شرایطی که مقام‌های امریکایی و رهبران حکومت افغانستان از سرعت‌بخشیدن به تلاش‌های آشتی‌جویانه سخن می‌گویند، روزهای تیره و تاریک برای مردم افغانستان رقم می‌خورد. هفته‌ها می‌شود، که کابل و دیگر شهرهای کشور، روی شادی و آسودگی را ندیده و از گزند هیولای خون و خشونت در امان نبوده است. در گذشته، چنین نبود؛ جنگ هرازگاهی سرد و گرم می‌شد و شیوه‌ی آن در حال تغییر بود. در آن روزها، مادامی‌که جنگ به شکل جبهه‌ی ادامه می‌یافت، گراف قتل و کشتار در...

صفحه ۴

معمای صلح افغانستان و یادآوری چند نکته

امیرنهیان
پروسی صلح از زمانی مورد توجه جامعه‌ی جهانی و سیاست‌گران افغانستان قرار گرفت، که زلمی خلیل‌زاد و هیأت همراه‌اش در دیدارهای مکرر با نمایندگان طالبان در کشورهای امارات و قطر روی چگونگی آوردن صلح و میکانیزم‌های ثبات سیاسی در افغانستان ملاقات و چانه‌زنی را آغاز کردند. این نشست‌ها هرچند تا این دم در غیاب حکومت وحدت ملی و نمایندگان احزاب سیاسی، پشت درهای بسته و به‌دور از دوربین رسانه‌ها انجام می‌شود؛ اما شماری از سیاست‌گران مخالف حکومت، نسبت به آینده‌ی این گفت‌وگوها خوش‌بین بوده و تأکید می‌کنند که این نشست‌ها مسیر گفت‌وگوی بین‌افغانی را باز می‌نماید. به گفته‌ی این شخصیت‌های سیاسی، عمده‌ترین تغییر در دیدگاه و ذهنیت عمومی طالبان، حضور آنان در میز گفت‌وگو و صحبت با رسانه‌ها پیرامون اوضاع سیاسی و آینده‌ی افغانستان است. این تغییر دیدگاه به باور آنان، حاکی از نگرش عمیق و بنیادین رهبری طالبان در استراتژی نظامی و عملیاتی‌شان نسبت به وضعیت افغانستان می‌باشد. این در حالی است، که زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا در مذاکرات نفس‌گیر با نمایندگان طالبان، مدعی بود که تمامی جزئیات و پیشرفت‌ها در این روند را با رهبری حکومت وحدت ملی و شخص رئیس‌جمهور غنی شریک می‌سازد. هم‌چنین سفیر ایالات متحده در کابل نیز همواره از شریک‌ساختن معلومات و جزئیات گفت‌وگوهای صلح با رهبران حکومت وحدت ملی خبر داده و تأکید می‌کند، که ایالات متحده‌ی امریکا در هماهنگی با دولت افغانستان و نمایندگان احزاب سیاسی و جریان‌های مدنی، در مورد پروسی صلح و گفت‌وگو با طالبان حرکت می‌نماید. به گفته‌ی جان‌بس، ایالات متحده‌ی امریکا طرف‌دار صلح پایدار و ثبات سیاسی



خبر

دبیرخانه‌ی شورای عالی صلح لغو شد

صدیق صدیقی، سخن‌گوی رئیس‌جمهور گفته است، که رئیس‌جمهور غنی، (شنبه، ۵ اسد) فرمان لغو دبیرخانه‌ی این شورا را صادر کرده‌است. به گفته‌ی صدیقی، مسؤولیت‌های شورای عالی صلح به وزارت تازه ایجادشده‌ی دولت در امور صلح سپرده شده‌اند. رئیس‌جمهور غنی، به تاریخ هشتم ماه سرطان امسال، وزارت دولت در امور صلح را ایجاد کرد و سلام رحیمی، رئیس دفتر پیشین خود را به رهبری این وزارت گماشت. شورای عالی صلح افغانستان، در سال ۱۳۸۹ از سوی حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین کشور ایجاد شد. این شورا در نتیجه‌ی مشوره شرکت‌کننده‌گان جرگه‌ی مشورتی صلح که در سال ۱۳۸۹ در کابل برگزار شد، ایجاد شد. هدف ایجاد این شورا، جستجوی راه حل به خشونت‌ها در افغانستان و گفت‌وگو با طالبان گفته شده بود. برهان‌الدین ربانی، نخستین رئیس این شورا بود که در حمله‌ی انتحاری در خانه‌اش جان باخت. پس از آن، پیر احمد گیلانی به ریاست این شورا گماشته شد و او نیز در سال ۲۰۱۷ درگذشت.

رئیس‌جمهور غنی، به تاریخ پنجم جون سال ۲۰۱۷، محمد کریم خلیلی را به ریاست این شورا گماشت و تاکنون او به این سمت کار می‌کرد. شورای عالی صلح، در مدت کارش دست‌آوردهای چندانی نداشت و از این لحاظ همواره مورد انتقاد باشنده‌گان و سیاسیون کشور بود. یکی از انتقادهای جدی بر این نهاد، این بود که اعضای رهبری این نهاد معاش‌های بلند می‌گیرند و امکانات دولتی را در اختیار دارند اما در راستای صلح هیچ تلاشی نمی‌کنند.

بازداشت «امام زمان قلبی» در هرات

مسوولان محلی در ولایت هرات از بازداشت فردی خبر می‌دهند که ادعا می‌کند «امام زمان» است. این شخص ظهر دیروز در شهر هرات با حضور نماینده‌گانی از پولیس، امنیت ملی و اداره حج و اوقاف این ولایت بازداشت شده است. سید محمد شیرزادی رئیس اداره حج و اوقاف هرات می‌گوید: «این شخص ادعا داشته که با مورچه‌ها صحبت می‌کند و بیماران را نیز شفا می‌دهد». این فرد خودش را فرید علی ولی‌اللهی، مشهور به «امام زمان» معرفی کرده و از «خیابان خبرنگار» در مرکز شهر هرات بازداشت شده است. به گفته آقای شیرزادی زنان زیادی در هرات برای گرفتن دعا نزد این شخص می‌رفتند. رئیس حج و اوقاف هرات تأکید دارد که این شخص در زمان حضور نماینده‌گان دولتی از لحاظ ظاهری در وضعیت نامناسبی قرار داشته و حتا «تنبان» نیز به تن نداشته است. این شخص هم‌چنان ادعا کرده که با درختان و پرندها نیز صحبت می‌کند. جیلالی فرهاد، سخن‌گوی والی هرات به روزنامه‌ی ۸صبح گفته است، که این نفر در پی شکایت مردم به ریاست ارشاد، حج و اوقاف در هماهنگی با پولیس بازداشت شده است. آقای فرهاد می‌افزاید که پرونده‌ی این فرد که زیر نام «امام زمان» فریب‌کاری می‌کرد، به نهادهای عدلی و قضایی سپرده می‌شود. گفتنی است که پیش از این هم بارها در هرات افرادی دیده شده‌اند که با جعل و فریب‌کاری، دست به اخاذی از مردم؛ به خصوص زنان می‌زدند. در مواردی حتی گزارش شده که در خانه‌های این چنین افراد به زنان تجاوز هم صورت گرفته است.

دهلی نواز تهران خواست تمام خدمه هندی دو نفت‌کش توقیف‌شده را آزاد کند

به نقل از یورونیوز؛ وزارت خارجه هند دیروز شنبه از مقامات ایران خواسته است، که تمام خدمه‌ی هندی دو نفت‌کش توقیف شده در خلیج فارس را آزاد کند. مقامات هند هم‌چنین آزادی ۹ خدمه‌ی هندی کشتی ریح را تأیید کردند. ایران روز جمعه ۲۶ جولای ۹ نفر از خدمه‌ی هندی این نفتکش را که روز سیزدهم جولای توقیف شده بود آزاد کرد. کشتی ریح حامل پرچم پاناما روز ۱۳ جولای از سوی نیروی دریایی سپاه پاسداران در خلیج فارس توقیف شد. سپاه دلیل این توقیف را حمل ۱ میلیون لیتر سوخت قاچاق عنوان کرد.

راویش کومار سخن‌گوی وزارت خارجه هند با اعلام این که ۹ نفر از خدمه‌ی هندی کشتی ریح به زودی به هند باز می‌گردند افزود: «سفارت ما در تهران در گفتگو با مقام‌های مسئول در تهران از آن‌ها خواسته است دیگر اتباع باقی‌مانده هندی را نیز آزاد کنند».

دلیل اینکه چرا ۳ هندی دیگر باقیمانده هم‌چنان آزاد نشده‌اند، اعلام نشده است. علاوه بر ۳ خدمه نفتکش ریح، ۱۸ تبعه هندی دیگر نیز که خدمه کشتی توقیف شده تحت پرچم بریتانیا به نام «استینا امپرو» هستند، از سوی ایران بازداشت شده‌اند. مقامات ایران دلیل توقیف این نفتکش را نقض مقررات بین‌المللی دریانوردی اعلام کرده است. این کشتی روز ۱۹ جولای در تنگه هرمز توقیف و به بندرعباس منتقل شد. یک مقام بلندپایه وزارت خارجه هند روز شنبه گفت که این کشور از تهران خواسته است تمام ۱۸ خدمه هندی این کشتی را نیز آزاد کند.

آیا انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در تاریخ تعیین شده برگزار خواهد شد؟

محمد نسیم نظری

کپ مردم

مردم در دوراهی صلح و انتخابات؛ کدام یکی مقدم تر است؟

در شرایطی که مقام‌های امریکایی و رهبران حکومت افغانستان از سرعت‌بخشیدن به تلاش‌های آشتی‌جویانه سخن می‌گویند، روزهای تیره و تاریک برای مردم افغانستان رقم می‌خورد. هفته‌ها می‌شود، که کابل و دیگر شهرهای کشور، روی شادی و آسودگی را ندیده و از گزند هیولای خون و خشونت در امان نبوده است. در گذشته، چنین نبود؛ جنگ هرازگاهی سرد و گرم می‌شد و شیوهی آن در حال تغییر بود. در آن روزها، مادامی که جنگ به شکل جبهه‌ی ادامه می‌یافت، گراف قتل و کشتار در شهرها پایین می‌آمد و مردم روزها، هفته‌ها و گاهی حتا ماه‌های کم‌دردسر را سپری می‌کردند و از آشفتنگی و فشار روحی-روانی ناشی از انفجار و انتحار فاصله می‌گرفتند. در آن زمان، هرچند در جریان جنگ، سربازان ارتش صدمات جبران‌ناپذیری را متحمل می‌شدند و در مواردی به افراد غیرنظامی نیز آسیب‌های فراوانی می‌رسید، اما شدت این فشارها و آشفتنگی‌ها به اندازه و میزان این روزها نبود.

اکنون اما وضعیت به شکل رفت‌وآمدی برای مردم این سرزمین سخت و طاقت‌فرسا شده است. در شرایطی که شهروندان کشور تشنه‌ی آرامش و صلح اند، هیولای وحشت و خشونت به شهرها نفوذ کرده است و همه‌روزه به شکل‌های گوناگون از جمعیت غیرنظامی و سربازان ارتش قربانی می‌گیرد. به بیان روشن‌تر هم‌زمان با جدی‌تر شدن گفت‌وگوهای صلح میان نمایندگان امریکا و هیأت مذاکره‌کننده‌ی طالبان، جنگ هم در جبهه‌های نبرد و هم در مراکز شهرها شدت یافته و ماشین انسان‌کشی گروه‌های تروریستی فعال‌تر شده است. این وضعیت از آن جهت نگران‌کننده و بنیادبراندازانه به نظر می‌رسد، که وعده‌های گردانندگان دولت امریکا و خوش‌بینی‌های حکومت و قشر سیاسی افغانستان نسبت به پروسه‌ی صلح، شهروندان این سرزمین را در وضعیت مبهم و نامعلومی قرار داده است. در یک‌طرف جنگ، خوش‌بینی برای استقرار صلح فضا را پر و ذهنیت‌ها را متوهم کرده و در جانب دیگر، تلاش برای خشونت بیشتر فرصت نفس کشیدن را از مردم گرفته است. برآیند چنین یک وضعیتی، هیچ‌چیزی جز اغفال شدن مردم نیست. مردم افغانستان چندماه می‌شود، که در میان خوش‌بینی نسبت به استقرار صلح و انزجار از این پروسه، زندگی کرده‌اند. با این وصف اما تا اکنون نه صلحی در کار است و نه از شدت جنگ کاسته شده است.

در همین گیر و دار، مسئله‌ی دیگر، انتخابات است. براساس تقویم انتخابات، سر از امروز یک‌شنبه (۶ اسد) کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری آغاز شده است و نامزدان این پروسه تا نزدیک به دو ماه دیگر برای جلب آرای مردم با هم‌دیگر به رقابت می‌پردازند. در این میان آنچه وضعیت را پیچیده و دشوارگذر نشان می‌دهد، هم‌زمانی دوپروسه‌ی صلح و انتخابات است. تا هنوز موقف حامیان بین‌المللی افغانستان، نیز مشخص نیست و ظاهر در ذیل این دو پروسه، با دولت افغانستان و طالبان بازی دوگانه را راه انداخته‌اند. از یک‌سو به دولت افغانستان امکانات مالی برای تدویر به‌موقع انتخابات محیا می‌کنند و رفتاری را به نمایش می‌گذارند که گویا دموکراسی و انتخابات برای آنان مهم‌تر از هر پروسه‌ی دیگر است. در جانب دیگر با گروه طالبان و دیگر بازیگران جنگ و صلح افغانستان، پروسه‌ی صلح را سرعت می‌بخشند و حرف از احتمال توافق نهایی تا روزهای نه‌چندان دور به زبان می‌آورند. این دو رفتار به شدت متناقض، روح و روان کارشناسان امور و مردم افغانستان را پریشان‌تر کرده و به این نگرانی در میان شهروندان کشور دامن زده، که مبدا طرح دیگر و بازی دیگری در پشت صحنه‌ی صلح و انتخابات در جریان باشد و مردم یک‌باره در یک وضعیت پیچیده و نامعلومی قرار گیرند.

استنتاج فوری از وضعیت، این است که نگرانی مردم بجا است. صلح و انتخابات در شرایط کنونی دو مسئله‌ی است، که به‌صورت هم‌زمان به نتیجه‌ی قابل قبول برای شهروندان این سرزمین نمی‌رسد. به این دلیل که جنگ افغانستان متغیرها و ابعاد گوناگون دارد، که آینده‌ی نظام و ساختار سیاسی یکی از آن است. با این وصف، در شرایطی که تا هنوز توافق صلح به‌امضا نرسیده، رفتن به‌سوی انتخابات به معنی نفی مذاکرات صلح است نه چیز دیگر. بنابراین خوب است، گردانندگان امور و سیاستمداران دولت امریکا و افغانستان بخاطر منافع شخصی‌شان، ارزش‌های هژده‌ساله‌ی افغانستان را به حراج نگذارند و با پروسه‌های صلح و انتخابات بازی دوگانه انجام ندهند.



سیاسی و مجموعه‌های انتخاباتی در امور انتخابات را ندارد.

این همه در حالی است، که بنا بر جدول زمان‌بندی کمیسیون مستقل انتخابات، قرار است ۶ اسد، کمپاین‌های رسمی انتخابات ریاست جمهوری آغاز گردد. اما نگرانی‌ها از عدم برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در زمان تعیین‌شده و نیز نبود ظرفیت کافی تخنیک‌ی در درون رهبری کمیسیون مستقل انتخابات هم‌چنان وجود دارد. انتخابات ریاست جمهوری در حالی در حاله‌ی از ابهام جدی قرار دارد، که بنا بر گزارش‌های منتشرشده از سوی دفتر سیاسی طالبان در قطر، ملا عبدالغنی برادر، روز شنبه (۵ اسد) در رأس یک هیأت بلندپایه به کشور اندونزی رفته است. بنا بر این خبرنامه، این سفر به‌منظور تسهیل روند صلح افغانستان و همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی نسبت به این روند انجام می‌گیرد. با تمام این وجود به نظر می‌رسد، انتخابات ریاست جمهوری با چالش‌های زیر روبه‌رو است:

۱- پیشرفت‌ها در روند مذاکرات صلح و احتمال توافق با طالبان؛ این موضوع به حدی جدی است، که حتا ارگ‌نشینان کابل نیز بارها از پیشرفت‌های چشم‌گیر آن خبر داده و خواستار وضاحت از سوی دستگاه دیپلماسی ایالات متحده گردیده است.

۲- فقدان حمایت‌های کافی خارجی از روند انتخابات؛ این‌بار برخلاف دوره‌های پیشین، کشورهای حمایت‌کننده به شمول اتحادیه‌ی اروپا و نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، نسبت به روند انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو تمایل جدی نداشته و در یک حالت ابهام‌آمیزی از این پروسه حمایت می‌کنند. عدم حمایت جدی سازمان‌های بین‌المللی، اعم از ناظر و نهادهای کمک‌کننده، می‌تواند سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری را به‌صورت قابل ملاحظه‌ای وخیم سازد.

۳- فقدان اراده‌ی جدی در میان نامزدان انتخابات؛ تا کنون بنا بر گزارش‌های منتشر شده،

غیر از تیم دولت‌ساز هیچ یک از کاندیدان ریاست جمهوری به‌صورت رسمی دفتری را برای کارزارهای انتخابات پیش رو تهیه نکرده و با یک نگرانی جدی این روند را دنبال می‌کند. کاندیدان ریاست جمهوری بارها از عملکرد رییس‌جمهور غنی و تیم دولت‌ساز به خاطر سوءاستفاده از منابع و امکانات دولتی انتقاد نموده و تأکید دارد، که کمیسیون انتخابات مأموران رییس‌جمهور غنی بوده و استقلال اداری و کاری ندارد.

۴- فقدان مدیریت کارا در رهبری کمیسیون‌های انتخاباتی؛ براساس ادعای شماری از کارشناسان امور انتخاباتی، رهبری کنونی کمیسیون‌های انتخاباتی نه توان و ظرفیت کافی برای اداره و مدیریت روند انتخابات دارند و نه تجربه‌ی مسلکی در نحوه‌ی مدیریت و ساختار تشکیلاتی این نهاد را. عدم تجربه‌ی کافی در این روند می‌تواند سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری را همانند انتخابات پارلمانی در بدترین حالت ممکن قرار دهد.

افغانستان در حال حاضر در کنار بحران‌های فراگیر داخلی و بین‌المللی، درگیر دو نوع نگاه به اوضاع کنونی است. رهبری حکومت وحدت ملی و شماری از سیاست‌گرانی که از امکانات و ظرفیت‌های دولتی بهره‌مند هستند، معتقدند که انتخابات ریاست جمهوری در زمان معین خویش برگزار می‌گردد. اما شماری دیگر از سیاست‌گران و چهره‌های فعال سیاسی باورمندی به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در زمان معین‌اش ندارند و معتقدند که برنامه‌ی عمل ایالات متحده‌ی امریکا و مشاورین اتاق فکر رییس‌جمهور ترمپ، طرف‌دار پیشرفت در گفت‌وگوهای صلح و آوردن گروه طالبان در میز مذاکره با مردم افغانستان اند.

نمودند.

در این میان اما به نظر می‌رسد، که نشانه‌های از فشارهای حداکثری ایالات متحده بالای حکومت وحدت ملی به وضوح قابل تصور است. هفته‌ی قبل سه‌مقام ارشد امریکایی با رییس‌جمهور غنی و داکتر عبدالله عبدالله صحبت کردند. زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه وزارت خارجه‌ی امریکا در مورد صلح افغانستان، طی نشستی در ارگ ریاست جمهوری با رییس‌جمهور غنی دیدار و گفت‌وگو نمود. از سوی هم رییس ستاد مشترک ارتش امریکا (جنرال جوزف دانفورد) نیز در یک سفر رسمی به کابل، با رییس‌جمهور و رییس اجرائیه به‌صورت جداگانه دیدار و گفت‌وگو نموده است. هرچند جزئیاتی از این نشست‌ها منتشر نشده است، اما به نظر می‌رسد که اداره‌ی کاخ سفید و شخص رییس‌جمهور ترمپ می‌خواهد، که پروسه‌ی صلح، قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نهایی گردد.

در همین حال، جمعه‌ی هفته‌ی گذشته، مایک پمپئو در یک تماس تلفونی با رییس‌جمهور غنی، پیرامون اوضاع افغانستان صحبت نموده است. از این گفت‌وگو تلفونی نیز جزئیاتی آن‌چنانی در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته است. این همه در حالی اتفاق می‌افتد، که قرار است، امروز (یک شنبه ۶ اسد) رهنمای انتخاباتی ریاست جمهوری آغاز گردد. در همین حال، کمیسیون مستقل انتخابات از آمادگی‌های این نهاد برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری خبر می‌دهد و تأکید می‌کند، که به هیچ‌فرد یا نهادی حق مداخله در امور انتخابات ریاست جمهوری را نمی‌دهد، هم‌چنین شماری از نهادهای ناظر انتخاباتی تأکید دارند، که هیچ نهاد یا تیم‌های انتخاباتی براساس قوانین نافذه‌ی افغانستان حق ندارد در روند انتخابات مداخله نموده و یا این روند را به نفع تیم‌های مشخص مدیریت نماید. با این وجود، اما کارشناسان امور انتخاباتی معتقدند که کمیسیون فعلی توان و ظرفیت کافی تخنیک‌ی و مسلکی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را نداشته و نمی‌توانند، این پروسه‌ی ملی را مدیریت کنند. به باور این کارشناسان، افراد مسوول در رده‌های تصمیم‌گیری کمیسیون انتخابات، کوچک‌ترین دانش تخنیک‌ی در مورد انتخابات نداشته و هیچ پلان مشخص عملیاتی برای مدیریت این روند و نیز جلوگیری از نفوذ تیم‌های

آیا انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برگزار خواهد شد؟ این سوال این روزها، ذهن خیلی‌ها را به خود جلب نموده است؛ از سیاست‌مداری که در متن چانه‌زنی‌های سیاسی و دیپلماتیک قرار دارد تا فعال حقوق بشر، نخبگان علمی، واحدهای تحقیقاتی و ژورنال‌های معتبر پژوهشی، کسبه کاران و افراد عادی جامعه، همه و همه از خود و دیگران می‌پرسند، که آیا انتخابات ریاست جمهوری کشور برگزار خواهد شد؟ افغانستان در حال حاضر در کنار بحران‌های فراگیر داخلی و بین‌المللی، درگیر دو نوع نگاه به اوضاع کنونی است. رهبری حکومت وحدت ملی و شماری از سیاست‌گرانی که از امکانات و ظرفیت‌های دولتی بهره‌مند هستند، معتقدند که انتخابات ریاست جمهوری در زمان معین خویش برگزار می‌گردد. اما شماری دیگر از سیاست‌گران و چهره‌های فعال سیاسی باورمندی به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در زمان معین‌اش ندارند و معتقدند که برنامه‌ی عمل ایالات متحده‌ی امریکا و مشاورین اتاق فکر رییس‌جمهور ترمپ، طرف‌دار پیشرفت در گفت‌وگوهای صلح و آوردن گروه طالبان در میز مذاکره با مردم افغانستان اند.

این دو نگاه با هم متناقض اما جدی، در داخل و خارج از افغانستان طرف‌دارانی نیز دارد. هرچند رهبران حکومت وحدت ملی و شخص رییس‌جمهور غنی تأکید دارد، که هیچ‌کسی در افغانستان نباید در مورد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شکی را در ذهن خویش راه دهد، اما واقعیت‌های موجود سیاسی و امنیتی کشور نه تنها برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را در حاله‌ی از ابهام قرار داده؛ بلکه عملن این پروسه را با بن‌بست روبه‌رو ساخته است. این در حالی است، که نامزدان انتخابات ریاست جمهوری، در عین بی‌باوری به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در زمان تعیین‌شده‌ی آن، رییس‌جمهور غنی و تیم‌اش را متهم به سوءاستفاده از امکانات و ظرفیت‌های دولتی نموده و خواهان توقف این روند هستند. هفته‌ی قبل شماری از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری در نشستی، طرحی را به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌ی رییس‌جمهور و تیم دولت‌ساز از امکانات دولتی ارائه و پیرامون آن بحث

به مناسبت فاجعه‌ی دوم اسد؛ در چوک دهمزنگ بالای مردم چه گذشت؟

«امروز فردای فاجعه‌ی دوم اسد/سوم اسد» آمدن به سر کار به طرز وحشت‌ناکی شمال بود. چوک دهمزنگ طبق معمول با ترافیک موترها، بایسکل‌ها، کراچی‌ها، و آدم‌های که پیاده شهر را دور می‌زند، گره خورده بود. تنها شیشه‌های شکسته شده‌ای مغازه‌ها، رستوران‌ها و دکان‌ها، جوی‌های کنار جاده، چقوری‌های پر آب خون‌آلود سرک و فضای که هنوز بوی گوشت‌های سوخته می‌داد، عمق فاجعه را حکایت می‌کردند. من سعی کردم به جدول‌های جاده خیلی با دقت نگاه نکنم. روی آن‌ها لکه‌هایی بود، که می‌توانست خون باشد، شاید هم بدتر از آن.

اما آن‌چه دردناک و تأسفبار است این که: کابل دارد از کنار این حادثه با بی‌اعتنایی می‌گذرد، درست مثل دنیا و جامعه‌ی جهانی. ما هنوز دقیق نمی‌دانیم که در انفجارهای دی‌روز، چند نفر کشته شده‌اند؛ هر چند بر اساس آمار اولیه، به نظر می‌رسد که تعداد قربانیان بیش از ۸۰ نفر باشد، اما تعدادی با ترش‌رویی می‌گویند، که این آمار به طرز ناجوانمردانه‌ای کم‌شماری است و تعداد واقعی جان‌باخته‌گان و آسیب دیدگان فاجعه به مراتب پیش‌تر از آمارهای است که به نشر رسیده است.

اگر شما حمله‌ی مونیخ را گوگل کنید، با صفحه پشت صفحه مطالبی روبه‌رو می‌شوید، که تا عمق زندگی، عامل حادثه و انگیزه‌ی کار، دوستان، و خانواده‌های قربانیان را کاوش کرده و به بررسی گرفته‌اند. علاوه بر این، اظهارات وابسته‌گان قربانیان و شاهدان عینی شوکه شده را هم می‌توانید بشنوید.

درباره‌ی از دست‌رفتگان کابل، اما چند تا مطلب عمده، معلومات و نوشته‌ی بیشتر وجود ندارد، که چندین بار تکرار شده‌اند. اصل خبر هم این است، که داعش مسولیت حمله را پذیرفته است. قبول کردن این واقعیت که آیا داعش پشت این حادثه بوده یا نه، سخت است. داعش شاید واقع در افغانستان فعال باشد، شاید هم این قضیه، فقط جنبه‌ی تبلیغاتی داشته باشد، که توسط تروریست‌های بین‌المللی و عوامل زیرک داخلی‌شان انجام شده است. مثل همیشه داعش آن اعتبار مرگ‌بار بودنش را به دست می‌آورد و افغانستان هم، توجه بین‌المللی بیشتری را کسب می‌کند. توجهی که طبق سنت معمول با ورود دالر به کشور همراه است.

انگار آخرین چیزهایی که ما می‌خواهیم، یا حداقل در توان داریم، برای داعش باقی مانده است، تا بیاید و تمام آن دست‌آوردهای شکننده‌ی ۱۵ سال اخیر را از بین ببرد.

اما قسمت انسانی قضیه کجاست؟ آن ساختمان‌های مشهور و نمادین کجا هستند، تا به رنگ پرچم افغانستان «سرخ، سبز و سیاه» روشن شوند و با پلاکاردها و علامت‌های «من کابل هستم» با انسان افغانستانی هم‌دردی کنند؟

ما از افغانستان دست‌شسته‌ایم و این کشور را به امان خودش گذاشته‌ایم؛ این خیلی واضح است. خون‌ها و پول‌های زیادی برای بازسازی ملتی مصرف شده که گاهی به نظر می‌رسد خودشان برای نابودی خودشان کمر همت بسته‌اند.

اما این، آن افغانستان نیست که من می‌شناختم. این کشور آن جوانان امیدواری نیست که می‌توانستند سفر کنند، در خارج از کشور به دنبال تحصیل بروند و بعد به خانه برگردند و ملتی جدیدی را بسازند. این کشور آن زنانی نیست که بالاخره جرأت کرده بودند تا صدای‌شان را بلند کنند و به زندگی کردن بر اساس چراغ در دست‌داشته‌ای خودشان اصرار بورزند. این جامعه‌ای آن دوستان و هم‌کاران خون‌گرم و خوش‌برخوردی نیست که من برای بیش‌تر از یک دهه آن‌را می‌شناختم. فعلاً، بیابید همه‌ای ما لحظاتی همراه باهم برای افغانستان اشک بریزیم، حادثه‌ی خونین بعدی هم احتمالاً به زودی از راه خواهد رسید.»

منبع: راویان روشنایی، جین مکینزی «Jean Mackenzie»، مترجم: امید حق‌بین، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۵/۳

هیاهوی انتخاباتی؛ افتتاح پروژه‌های محدود

با طمطراق بسیار

اسحق‌علی احساس

در جریان محفل افتتاحیه‌ی پروژه‌های انکشافی، شاروال کابل از پروژه‌های در شمار پانزده پروژه‌ی انکشافی نام برد، که کار ساختمانی بعضی از آن‌ها قبل تکمیل شده و آماده‌ی بهره‌برداری است.

این درحالی است، که براساس اطلاعات و گزارش‌ها، قیمت فی‌متر مربع جایداد در سرک عرفانی واقع در دشت برچی مبلغ ۲۶۰۰ افغانی و در سرک تانک تیل لوگر ۱۳۸۰۰ افغانی از سوی دولت در نظر گرفته شده، قیمت‌سنجی که نظر به نرخ زمین در شهر کابل عادلانه به‌نظر نمی‌رسد.



حکومت در این ایام، به شدت مشکوک اند. این شکاکیت زمانی تقویت می‌شود، که عمل‌کردهای دولت در عرصه‌های مختلف دولت‌داری زیر زره‌بین قرار داده شود.

پنج‌شنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۳ اسد)، هیاهوی کم‌پیشینه میان اهالی غرب کابل جریان داشت. حکومت با شعار تطبیق پروژه‌های زیربنایی و انکشافی به‌عنوان بخشی از طرح به‌سازی دشت برچی، با ادا و اطوار عجیب، پانزده پروژه را به ارزش نزدیک به دوازده‌ونیم میلیون دالر افتتاح کرد. سرور دانش، معاون دوم رییس‌جمهور با حضور در محفل افتتاح این پروژه‌ها با اشاره به طرح به‌سازی دشت برچی گفت، که این پروژه‌ها تنها بخشی از آن طرح است، که در طول سه‌سال مورد مطالعه، طرح و طی‌مراحل قانونی، تدارکاتی و تخصیص بودجه قرار گرفته و امروز در برچی تطبیق می‌گردد. آقای دانش در بخش دیگری

چندماه می‌شود، که اتهام سوء‌استفاده از منابع دولتی و پروژه‌های انکشافی بر رهبری حکومت وحدت ملی در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری وارد است. تکت‌های انتخاباتی و قشرسیاسی کشور مدعی هستند، که محمدآشرف غنی، رییس‌جمهور و دسته‌ی انتخاباتی‌اش از امکانات دولتی، پروژه‌های انکشافی و دارایی عامه استفاده‌ی کمپاینی-انتخاباتی می‌کنند. این ادعاها تا حدی درشت و جدی شده، که اکنون بحث تحریم انتخابات به‌عنوان یکی از جدی‌ترین گزینه‌ها روی دست تکت‌های انتخاباتی است و نهادهای انتخاباتی در جایگاه تنها مراجع برگزارکننده‌ی انتخابات، کم‌ترین دست‌آوردی در عرصه‌ی اعتماد و باورسازی نسبت به پروسه‌ی انتخابات نداشته‌اند. معنی این حرف روشن است؛ این‌که قشرسیاسی و نامزدان انتخابات نسبت به کمسیون‌های انتخاباتی و رفتارهای شک‌برانگیز

از سخنان‌اش، غیرپلانی بودن ساحه را دلیلی برای دورماندن این مناطق از خدمات شهری عنوان کرد. این درحالی است، که ظاهر مردم محل، از افتتاح این پروژه‌ها خرسند نیستند. هم‌زمان با گشایش این پروژه‌ها در غرب کابل، بسیاری از کاربران رسانه‌های اجتماعی این اقدام حکومت را بخشی از برنامه‌های انتخاباتی آقای غنی برشمردند و از این‌که به اهالی غرب کابل و افغانستان مرکزی تنها در ایام پیکارهای انتخاباتی به‌صورت نمادین توجه می‌شود، خشمگین بودند. عده‌ای دیگری از افراد محل، با تجمع در نزدیکی محل برگزاری محفل گشایش پروژه‌ها از عدم جبران خساره‌ی زمین‌های شخصی‌شان که در مسیر تطبیق این پروژه‌ها قرار دارد، از حکومت معترض بودند و ادعا داشتند که دولت در قسمت تأمین خساره‌ی وارده بر زمین‌های شخصی آنان، برخورد عادلانه نکرده است.

انجنیر غلام‌نبی رحیمی، رییس پیشین ناحیه‌ی سیزدهم شهرداری کابل، در واکنش به افتتاح پانزده پروژه‌ی انکشافی و زیربنایی در غرب کابل و اعتراض مردم محل نسبت به عدم پرداخت حق خساره از سوی دولت به‌مردم، می‌گوید که در پروژه‌ی بازسازی سرک عرفانی، قطع نوار در حالی صورت گرفت که موجی از مخالفت‌ها و حق‌خواستن‌ها فضا را کاملن مکدر ساخته بود. به باور او ساکنان محل در صورتی از این پلان حمایت می‌کنند، که حقوق‌شان اعاده شده و ساحه‌ی بدیل برای مردم مشخص شود. آقای رحیمی به شکل اعتراضی در فیسبوک‌اش نوشته است: «ساحه‌ی که قبلاً در دامنه‌ی کوه قوریغ بنام ساحه‌ی بدیل در نظر گرفته شده بود، برای متضررین توزیع گردد، قیمت جایادهای مسیر سرک عرفانی و سرک تانک تیل لوگر حداقل یک‌سان محاسبه گردد.»

در همین حال به‌گفته‌ی رییس پیشین ناحیه‌ی سیزدهم شهر کابل، در جریان محفل افتتاحیه‌ی پروژه‌های انکشافی، شاروال کابل از پروژه‌های در شمار پانزده پروژه‌ی انکشافی نام برد، که کار ساختمانی بعضی از آن‌ها قبل تکمیل شده و آماده‌ی بهره‌برداری است.

این درحالی است، که براساس اطلاعات و گزارش‌ها، قیمت فی‌متر مربع جایداد در سرک عرفانی واقع در دشت برچی مبلغ ۲۶۰۰ افغانی و در سرک تانک تیل لوگر ۱۳۸۰۰ افغانی از سوی دولت در نظر گرفته شده، قیمت‌سنجی که نظر به نرخ زمین در شهر کابل عادلانه به‌نظر نمی‌رسد. در این مورد انجنیر غلام‌نبی رحیمی می‌گوید، اهالی دشت برچی از تطبیق هرگونه پروژه‌ی انکشافی در ساحه استقبال نموده و از آن قدردانی می‌کند، مشروط بر این‌که این پروژه‌ها نمادین و سمبولیک نبوده و عادلانه باشد.

به‌نظر می‌رسد، از اقدام دیروقت حکومت نسبت به غرب کابل، بسیاری از ساکنان محل شاک‌ی‌اند. این شکاکیت زمانی بیشتر شده است، که افتتاح این پروژه‌ها با آغاز کمپاین انتخابات ریاست‌جمهوری هم‌زمان شده و حکومت با رویکرد کاملن تبلیغی پروژه‌های کم‌هزینه را مهم و اساسی عنوان کرده است. از سویی هم، عدم درنظر گرفتن ساحه‌ی بدیل برای افرادی که خانه‌ها و اماکن شخصی‌شان در جریان تطبیق این پروژه‌ها تخریب می‌شود و عدم رعایت عدالت در تعیین نرخ دولتی این زمین‌ها، مردم محل را نسبت به نیت حکومت بی‌اعتماد و مشکوک کرده‌اند.



معمای صلح افغانستان و یادآوری چند...

هیأت کلان از سیاست‌گران افغانستان به شمول حکومت وحدت ملی طی یک نشست بین‌افغانی با نمایندگان گروه طالبان دیدار و گفت‌وگو کنند. در این میان شاید عمده‌ترین سوال برای اقبشار سیاسی و واحدهای تصمیم‌گیری این باشد، که آیا گفته‌های اخیر دونالد ترامپ می‌تواند سرنوشت این گفت‌وگوها را تغییر داده و یا حداقل از میزان انتظاری که از آن می‌رود، بکاهد؟ پاسخ به این سوال نیازمند بررسی مولفه‌های است، که نقش بنیادین در به نتیجه‌رساندن این مذاکرات دارد. اما در حد یک نگاه اجمالی باید گفت، که ترامپ نشان داد، که او یک ریالیست به تمام معنا در حوزه‌ی سیاست خارجی بوده و منافع جمعی امریکا برای او اولویت بنیادین دارد؛ هرچند از نگاه اصول روابط بین‌الملل، گفته‌های ترامپ خلاف عرف دیپلماتیک در عرصه‌ی بین‌الملل است.

زلمی خلیل‌زاد نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی امریکا در مورد صلح افغانستان، هیچ‌گونه اظهار نظر جدی نکرده و در مورد این بیانات هم‌چنان سکوت کرده‌اند. این در حالی است که روند صلح افغانستان به مراحل حساس خویش نزدیک شده و گمانه‌ها برای ایجاد یک چتر سیاسی کلان پیرامون صلح و گفت‌وگو با طالبان به بالاترین حد خویش رسیده است. سیاست‌گران افغانستان ضمن خوش‌بین بودن به این روند، تأکید دارند که حکومت وحدت ملی نیز باید تلاش کند، تا هیأت همه‌شمول که بتواند قناعت تمام اقبشار افغانستان و نیز گروه طالبان را داشته باشند، تعیین نموده و در گفت‌وگوهای بین‌افغانی سهیم شوند.

گفته‌های ترامپ در حالی سایه‌ی سنگین بر روند مذاکرات صلح گذاشته است، که بنا بر گزارش‌ها قرار است، به‌زودی

گفته‌های ترمپ در حالی سایه‌ی سنگین بر روند مذاکرات صلح گذاشته است، که بنا بر گزارش‌ها قرار است، به‌زودی هیأت کلان از سیاست‌گران افغانستان به شمول حکومت وحدت ملی طی یک نشست بین‌افغانی با نمایندگان گروه طالبان دیدار و گفت‌وگو کنند. در این میان شاید عمده‌ترین سوال برای اقبشار سیاسی و واحدهای تصمیم‌گیری این باشد، که آیا گفته‌های اخیر دونالد ترامپ می‌تواند سرنوشت این گفت‌وگوها را تغییر داده و یا حداقل از میزان انتظاری که از آن می‌رود، بکاهد؟

هم‌چنین حامد کرزی در نشست تجلیل از صدمین سال وزارت خارجه‌ی کشور در مقر این وزارت گفت: «عامل اصلی جنگ افغانستان ایالات متحده بوده و اگر آنان علاقه‌مند خروج هستند، به زودی خارج شوند.» در پی آن داکتر عبدالله نیز در این نشست از گفته‌های رییس‌جمهور امریکا انتقاد نموده و آن‌را مخالف رویه‌ها و اصول عمومی دیپلماتیک در سطح جامعه‌ی بین‌الملل خواند. واکنش‌ها نسبت به گفته‌های آقای ترمپ در همین محدوده باقی نماند؛ دسته‌ی انتخاباتی امنیت و عدالت به رهبری رحمت‌الله نبیل نیز در یک نشست خبری در کابل گفت: «امریکا بهتر است، به جای کشتن ده میلیون انسان، ۳۰ سرباز از آس‌آی را بکشد و یا این‌که لانه‌های تروریستی در پشاور و مرام‌شاه را نابود سازد.» داکتر رنگین دادفر اسپنٹا، مشاور پیشین امنیت ملی کشور نیز تأکید کرد، که این گفته‌های رییس‌جمهور امریکا مخالف تمامی اصول حاکم در سطح روابط بین‌الملل می‌باشد. زیرا به باور او، اساس روابط میان افغانستان و امریکا بر مبنای منافع و تهدیدهای مشترک بوده و این به معنای زیر بار رفتن دیپلماتیک و سیاسی نیست.

با وجود واکنش‌های شدید به گفته‌های اخیر دونالد ترامپ در مورد افغانستان، اما سفیر این کشور در کابل و نیز

هرچند رییس‌جمهور امریکا روشن ساخت، که منظورش از ده میلیون انسان چه کسانی اند، زیرا بنا بر گزارش‌های رسمی دولت افغانستان، افغانستان بیش‌تر از ۳۰ میلیون جمعیت دارد، آیا آقای ترمپ می‌خواهد تنها ده میلیون از این جمعیت را در عملیات نظامی‌اش نابود سازد؟ یا او منظورش از ده میلیون انسان، کسانی اند که دست به دهشت و ترور می‌زنند و باعث زبان‌رساندن به دیگران می‌شوند؟

این گفته‌های رییس‌جمهور ترمپ، واکنش‌های سنگین سیاسی و دیپلماتیک را در داخل و خارج از افغانستان به همراه داشت. ارگ ریاست‌جمهوری در کم‌تر از ۱۲ ساعت از زمان سپری شدن ملاقات رییس‌جمهور امریکا و عمران‌خان در واشنگتن، طی یک اعلامیه‌ای، گفته‌های ترمپ را توهین به مردم افغانستان خوانده و خواستار وضاحت در مورد آن شد. پس از آن بنا بر گزارش‌های منتشرشده، رییس‌جمهور غنی، جان‌بس سفیر ایالات متحده‌ی امریکا را در کابل احضار نموده و در حضور مشاور امنیت ملی کشور از او در مورد سخنان رییس‌جمهور ایالات متحده، خواستار وضاحت گردیده است.

پس از آن حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین در اعلامیه‌ای، سخنان آقای ترمپ را با عمران‌خان، توهین به زندگی و شعور جمعی مردم افغانستان خوانده و آن‌را محکوم نمود.

به بهانه ای ۲۸ اسد؛ امان الله و سناریوی قتل پدر

خالق آزاد | بخش اول

ملا عبداللہ سندی، که می توان نقش او را به عبدالله عزام فلسطینی به مقایسه گرفت، در اوج جنگ دوم جهانی و در برهه ای که هیأت ترکی، آلمانی برای تحریک امیر حبیب الله در بغاوت علیه انگلیس به کابل می رسیدند، به تاریخ ۵ اکتوبر ۱۹۱۹ وارد کابل می شود. پس از وی همکاران نزدیک اش شیخ محمد ابراهیم که در رشته ی اقتصاد ماستری و مولوی قصور که از دانشگاه کمبریج در بخش ریاضیات لیسانس دارد، با عده ای دیگری از کدرهای علمی مسلمانان هندی به کابل رسیده و در مکتب حبیبیه مصروف تدریس می شوند. این حلقات بنا به هم زبانی از همان ابتدا با سردار نادرخان که در دیره ی دون هندوستان متولد و به زبان اردو آشنایی دارد و اکنون یکی از مقامات عالی رتبه در دربار امیر حبیب الله اند، روابط دوستانه ای ایجاد کرده اند.

ملا، حامل نامه ای از جانب آزادی خواهان مسلمان هندی است، که عنوانی محمود طرزی و نادرخان نگاشته شده است. هنگام ورود به کابل، از این ملای معروف هندی، به نمایندگی از آقای طرزی، هادی خان دروازی استقبال می نماید. ملا در نظر داشت از همه اول تر سردار نصرالله خان نایب السلطنه را که برادر امیر و عنصر اصلی مورد توجه مسلمانان افراطی و ضد انگلیسی در دربار کابل است، ببیند، اما بنا به پیشنهاد نادر، وی ابتدا با معین السلطنه سردار عنایت الله خان دیدار و توسط او با نایب السلطنه دیدار می نماید. او از نمایندگی اش از مسلمانان شبه قاره صحبت و وظیفه اش را تشویق پادشاه افغانستان در حمله به هند بر شمرده و از نایب السلطنه می خواهد در این امر او را کمک نماید (ظفر حسن ایبک، ترجمه ی فضل الرحمن فاضل، ۱۳۸۲، پشاور، ص ۱۲۷).

ملاقات ملا با نایب السلطنه که کاملن محرمانه است، ابتدا حدود دو ساعت وقت می گیرد و پس از آن برادر زمینه ی دیدار ملا را با امیر حبیب الله فراهم می سازد. از این که در این وقت هیأت اطریشی، ترکی و آلمانی برای ترغیب امیر به کابل آمده است، ملا تا حد ممکن تلاش می نماید، تا امیر را راضی سازد، علیه انگلیس ها اعلام جهاد نماید. اما امیر که دل بستگی و وابستگی زیادی به انگلیس ها دارد، از این امر سر پیچی نموده و هیأت را مایوس می سازد. از آن جایی که در دیانت اسلام اعلام جهاد توسط امیر مسلمان لازمی است، مولوی پس از مایوسی تصمیم می گیرد، به مسکو رفته و با تزار روس در زمینه تفاهم نماید.

ملا پیش از رفتن به مسکو، ابتدا تهداب اولین جنبش بنیادگرای اسلامی را زیر نام جنودالله در کوچی شور بازار کابل بنیاد و پس از چند ملاقات محرمانه با نادر، راهی مسکو می شود. اتفاق پیش از رفتن به مسکو رخداد دیگری در کابل روی می دهد، که ملا را نسبت به نایب السلطنه مایوس و اما نسبت به نادرخان بیشتر امیدوار می سازد (همان، ص ۱۴۰).

این رخداد زمانی که الله نواز برادر شاه نواز هندی برای اجرای کارش به یکی از ادارات دولتی می رود، با حواله دار (سرباز) درگیر و با مشت چشم سرباز را مجروح و سرانجام قضیه به محکمه کشانیده می شود. در محکمه که سردار نادرخان و نایب السلطنه هر دو حضور دارند، پس از سمع ادعا، با وجود که نادرخان از مسلمانان هندی حمایه می کند، اما معین السلطنه می گوید، زخم که بر چشم سپاهی ماست بر دل ماست، مهمان در ملک ما خر صاحب خانه است و این آدم را بندی کنید (همان، ص ۱۵۱). پس از این ماجرا است، که ملا به حلقات دیگر بیشتر اتکا و حلقات خاص را که امان الله و نادر در مرکز آن قرار دارد و اما غلام بچه های دربار و حضور در حواشی و مدارها اند، دسیسه ای قتل امیر را طراحی می نمایند.

از آن جایکه امیر هرسال در ایام زمستان عازم جلال آباد گردیده و زمستان را در آنجا سپری می نماید، در سفر امسال بر خلاف سال های پیش، برادرش نایب السلطنه سردار نصرالله خان، معین السلطنه سردار عنایت الله خان، محمد نادر سپه سالار و اعضای خانواده مصاحبان خاص سردار محمد یوسف و سردار یحی خان با مستوفی الممالک همه در رکاب شاه حضور دارند.

ظفر حسن ایبک که پس از اتفاقات اخیر از حمایه ی امیر حبیب الله مایوس گردیده، می کوشد، با استفاده از روابط با نادرخان، که به زبان اردو تسلط کامل دارد، برای گرفتن بورسیه ی تحصیلی در یکی از دانشگاه های اروپایی و یا ترکیه، از کابل خارج شود. وی می نویسد، پیش از حرکت به سوی جلال آباد، به سپه سالار نادر خان مراجعه کرده و از وی خواستم در زمینه کمک نماید، او در مورد ادامه ی تحصیل من وعده سپرد، که پس از برگشت از

پوهنیا می نگارد، شجاع الدوله فراش باشی در همان شب ساعت ۳ بجه ی نیمه شب پنجشنبه ۲۱ فیروزی آهسته به خرگاه داخل و با کمال آرامی تفنگ چپ اش را در شقیقه چپ امیر خالی می نماید. بعد به سرعت از خیمه خارج می شود. کرنیل شاه علی رضا که مرد تنومند است، او را تعقیب و دستگیر می نماید. تا آن که سپه سالار نادرخان رسیده و با حواله ی قفاق (ستیلی) محکم بر روی کرنیل، قاتل را رها می سازد (ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد، صص ۲۱۸-۲۲۰).

در همین جریان بنا به قول اغلب واقعه نگاران و مورخین، محمدولی خان دروازی از جلال آباد عاجل خود را به کابل رسانده و خیر قتل امیر را اعلام و می گوید کار بخیر خلاص شد (همان، ص ۱۷۲). پس از اعلام سید به زوی امان الله بیعت از عمویش گرفته و شجاع الدوله را کوتوال کابل (زندانبان) و بعد وزیر امنیت مقرر می کند. در حالی که نادرخان به زودی وزیر حریه تعیین می شود. امیر جدید پس از بیعت کاکایش را زیر فشار قرار می دهد، تا قرآنی را که روی آن عهدنامه امضا شده است، به او بسپارد. پیش از این امان الله و کاکایش به توافق رسیده بودند تا امیر کشته و علیه انگلیس اعلام جنگ و جانشین همان عمویش نایب السلطنه باشد. این توافق روی ورق قران تحریر شده بود. اما عمو از این دستور سرباز می زند. از این جاست که که امیر امان الله تصمیم می گیرد، برای آن که اسرار افشا نشود، او را در کوتوالی و آن هم مشخصن تحت نظر شجاع الدوله زندانی می سازد. تا آن که می میرد، اما قران را نمی دهد. به دنبال این حوادث برنامه ی اصلی ملای هندی و مخالفت با انگلیس و ایجاد خلافت اسلامی زیر قیادت امیر امان الله روی دست گرفته می شود، که معمولن در افغانستان این سناریو را به نام جنگ استقلال تبلیغ می نمایند.

دستگیر می سازد. در این اثنا سپه سالار نادرخان می رسد و دستور می دهد، کرنیل ضارب را رها سازد. اما شاه علی رضا اصرار می کند، حفظ امنیت و وظیفه ی من است نه از شما.

شخص ضارب شجاع الدوله یکی از مقربان امیر و عضو دایره ی غلام بچه گان خاص است. (ظفر حسن، ص ۱۶۰). به زودی موضوع به نایب السلطنه رسیده و پس از تحقیق و اظهارات کرنیل شاه علی رضا خان، به امر نایب السلطنه شجاع الدوله و نادرخان با تمام اعضای خانواده دستگیر و زیر نظر شاه علی رضا به کابل اعزام و دیگر اعضای دربار در مجموع به سردار نصرالله خان بیعت و او را به پادشاهی کشور انتخاب می نماید (سیدهاشم قطره، گوشه های پنهان از تاریخ). میرزا عبدالروف یکی از منشی های دربار امیر حبیب الله، که هم کاتب نایب السلطنه در جلال آباد است؛ در جریان حکایتی گفته است، پس از انتقال در حضور سردار نصرالله خان بوم، که تلفون صدا کرد. آن طرف امان الله خان بود، که در کابل اعلام سلطنت کرده و از امیر جلال آباد می خواهد تا به او بیعت و شاه علی رضا را به جلال آباد پس خواسته و نادرخان را هر چه عاجل به کابل اعزام نماید. اما شاه علی رضا خان با نادر و خانواده اش به طرف کابل اعزام شده بود. کاروان اسرا، زمانی که به کابل می رسد، ورق برگشته، به امر امیر امان الله نادر و اعضای خانواده رها و بالمقابل کرنیل شاه علی رضا، که مردی بی پشت و پناه بود، دستگیر و به زودی طی یک محکمه ی نمایشی به قتل امیر متهم و بنا به شهادت یک سپاهی بنام غلام حیدر از جاغوری، که در بدل مبلغ معین شهادت دروغ می دهد، اعدام و جسدش سه روز به درخت آویزان می ماند. پس از آن او را در عقب غازی استدیوم به خاک می سپارند. غلام حیدر به وطنش برگشته و با شماتت مردم دچار و زندگی را به عسرت بدرود می گوید. اما سید مسعود

بنا به روایت سیدهاشم قطره، نواسه ی کرنیل شاه علی رضا خان، که بعدها به اتهام قتل امیر کشته شد، ساعت ۳ بجه ی نیمه شب ۲۱ حوت یا ۲۲/۲۱ فیروزی همان سال، امیر به اثر اصابت یک مرمی در مغزش به قتل رسید. کرنیل شاه علی رضا خان افسر حضور، که تازه نوبت پهره اش تمام و مصروف کشیدن موزه از پای راستش بود، متوجه صدا گردیده و به دنبال صدا طرف خیمه ی امیر می دود. او متوجه می شود، که فردی از داخل خیمه برآمده و فرار می کند. او فراری را تعقیب و به زودی برآمده و فرار می کند. او فراری را تعقیب و به زودی

بنا به روایت سیدهاشم قطره، نواسه ی کرنیل شاه علی رضا خان، که بعدها به اتهام قتل امیر کشته شد، ساعت ۳ بجه ی نیمه شب ۲۱ حوت یا ۲۲/۲۱ فیروزی همان سال، امیر به اثر اصابت یک مرمی در مغزش به قتل رسید. کرنیل شاه علی رضا خان افسر حضور، که تازه نوبت پهره اش تمام و مصروف کشیدن موزه از پای راستش بود، متوجه صدا گردیده و به دنبال صدا طرف خیمه ی امیر می دود. او متوجه می شود، که فردی از داخل خیمه برآمده و فرار می کند. او فراری را تعقیب و به زودی

بنا به روایت سیدهاشم قطره، نواسه ی کرنیل شاه علی رضا خان، که بعدها به اتهام قتل امیر کشته شد، ساعت ۳ بجه ی نیمه شب ۲۱ حوت یا ۲۲/۲۱ فیروزی همان سال، امیر به اثر اصابت یک مرمی در مغزش به قتل رسید. کرنیل شاه علی رضا خان افسر حضور، که تازه نوبت پهره اش تمام و مصروف کشیدن موزه از پای راستش بود، متوجه صدا گردیده و به دنبال صدا طرف خیمه ی امیر می دود. او متوجه می شود، که فردی از داخل خیمه برآمده و فرار می کند. او فراری را تعقیب و به زودی

بنا به روایت سیدهاشم قطره، نواسه ی کرنیل شاه علی رضا خان، که بعدها به اتهام قتل امیر کشته شد، ساعت ۳ بجه ی نیمه شب ۲۱ حوت یا ۲۲/۲۱ فیروزی همان سال، امیر به اثر اصابت یک مرمی در مغزش به قتل رسید. کرنیل شاه علی رضا خان افسر حضور، که تازه نوبت پهره اش تمام و مصروف کشیدن موزه از پای راستش بود، متوجه صدا گردیده و به دنبال صدا طرف خیمه ی امیر می دود. او متوجه می شود، که فردی از داخل خیمه برآمده و فرار می کند. او فراری را تعقیب و به زودی

بنا به روایت سیدهاشم قطره، نواسه ی کرنیل شاه علی رضا خان، که بعدها به اتهام قتل امیر کشته شد، ساعت ۳ بجه ی نیمه شب ۲۱ حوت یا ۲۲/۲۱ فیروزی همان سال، امیر به اثر اصابت یک مرمی در مغزش به قتل رسید. کرنیل شاه علی رضا خان افسر حضور، که تازه نوبت پهره اش تمام و مصروف کشیدن موزه از پای راستش بود، متوجه صدا گردیده و به دنبال صدا طرف خیمه ی امیر می دود. او متوجه می شود، که فردی از داخل خیمه برآمده و فرار می کند. او فراری را تعقیب و به زودی

بنا به روایت سیدهاشم قطره، نواسه ی کرنیل شاه علی رضا خان، که بعدها به اتهام قتل امیر کشته شد، ساعت ۳ بجه ی نیمه شب ۲۱ حوت یا ۲۲/۲۱ فیروزی همان سال، امیر به اثر اصابت یک مرمی در مغزش به قتل رسید. کرنیل شاه علی رضا خان افسر حضور، که تازه نوبت پهره اش تمام و مصروف کشیدن موزه از پای راستش بود، متوجه صدا گردیده و به دنبال صدا طرف خیمه ی امیر می دود. او متوجه می شود، که فردی از داخل خیمه برآمده و فرار می کند. او فراری را تعقیب و به زودی

